

همگرایی تناقض نمای نظارت الکترونیکی در برخورد تکنوکراسی و حریم خصوصی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶، پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

امیدعلی مسعودی*

چکیده

هدف از این تحقیق شناخت راه حلی برای تناقض نمای نظارت الکترونیکی در جامعه اطلاعاتی و برخورد تکنوکراسی با حریم خصوصی افراد است. این پژوهش با روش مطالعات اسنادی انجام گرفته است. پژوهشگران تکنیک مقایسه دائمی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری در نظریه بدبینانه خود تکنوکراسی را ناقض حریم خصوصی می‌دانند درحالی‌که همین تکنوکراسی است که امکان تبادل اطلاعات، تولید و توزیع انبوه آن‌ها در جوامع امروزی فراهم کرده است و لذا نمی‌توان با حذف آن اصولاً تعریفی از اطلاعات و داده‌های شخص و حریم خصوصی افراد ارائه کرد. ممکن است حریم خصوصی و آزادی افراد با نظارت دولت در تعارض باشد اما با استفاده از روش دیالکتیک عناصر معارض نظارت و تکنوکراسی با حریم خصوصی می‌توانند در مجموعه جامعه اطلاعاتی قرارگیرند. برای حل مساله تضاد میان حریم و نظارت می‌توان دقیقاً از این اصل دیالکتیک مارکس استفاده کرد که می‌گوید: دیالکتیک به معنی اخص کلمه، بررسی تضادها در ماهیت داخلی اشیاء است. به زبان ساده تر چیزها ضد خود را در خود دارند و مبارزه این اضداد است که موجب حرکت می‌شود. مانند مبارزه طبقه کارگر با سرمایه دار که باعث حکومت پرولتاریا [کارگران] می‌شود. و در حل مساله این تحقیق، مبارزه میان «حریم خصوصی» و «نظارت الکترونیکی» بیانگر سنتز آن، یعنی تولید اطلاعات در یک فضای تحت نظارت است.

نظریه نظم خودجوش نیز این تعارض را می‌پذیرد و نظریه ناصفر بر شرایط برد-برد نظارت و حریم خصوصی صحنه می‌گذارد.
کلمات کلیدی: نظارت الکترونیکی، حریم خصوصی، تکنوکراسی، نظم خودجوش، ناصفر، دیالکتیک.

* دانشیار گروه ارتباطات دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه سوره (نویسنده مسؤل)

مقدمه

کاربران می‌افزاید و نتیجه اش اختراعات و ابتکاراتی است که زندگی بشر را رونق و پیشرفت بخشیده است. اما از سوی دیگر امکان دسترسی دیگران به حریم خصوصی افراد را افزایش داده است. مساله این جاست که شهروندان نمی‌توانند از یک سو خواهان جلوگیری از نظارت دولت در فضای مجازی باشند و از سوی دیگر امنیت حریم خصوصی اشان را از دولت مطالبه نمایند. این وضعیت متناقض نما، یعنی حفظ حریم خصوصی و امکان شکستن این حریم در فضای مجازی به دلیل حضور افراد و دولت‌ها، این پرسش را مطرح می‌کند: آیا در برخورد فن سالاری (تکنوکراسی) و حریم خصوصی، نظارت الکترونیکی دولت لازم و ضروری است؟ یا آنکه این نظارت در گردش اطلاعات اختلال ایجاد می‌کند. در این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است، با مراجعه محقق به منابع و شیوه تحلیل استقرایی به دنبال یافتن پاسخ برای چنین پرسشی است.

پیشینه تحقیق

شیوه‌های نظارت در جامعه اطلاعاتی همان‌گونه که تأثیرات خود را بر شهروندان و جامعه گذاشته‌اند، تأثیراتی بر شیوه نگرش و ارزیابی صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان، نویسندگان، ادیبان و جامعه‌شناسان داشته‌اند. این تأثیرات باعث شده‌اند تا آنها در آثار و نوشته‌های خود به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خویش درباره وضعیت نظارت در جامعه اطلاعاتی بپردازند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۴۳).

براین اساس، باید از نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان، دانشمندان و فیلسوفان یاد کنیم که هر یک به نوعی وضعیت جامعه ارتباطی و اطلاعاتی را از نیمه دوم قرن بیستم بررسی کرده‌اند. دیوید رابینسون^۳، با انبوه خلق تنها (۱۹۵۰)؛ دانیل بل^۴، پایان ایدئولوژی (۱۹۶۰)، ریمون آرون^۵، جامعه صنعتی (۱۹۶۱-۱۹۶۶)؛ مارشال مک لوهان^۶، دهکده جهانی (۱۹۶۴)؛ هربرت مارکوزه^۷، انسان تک‌ساحتی (۱۹۶۴)؛ دیوید هاروی^۸، عصر اطلاعات (۱۹۷۱)؛ آلین تورن^۹ (۱۹۷۱) و دانیل بل (۱۹۷۳) با طرح جامعه فراصنعتی؛ آلون تافلر^{۱۰}، موج سوم (۱۹۸۰)؛ از جمله آثاری هستند که مشخصه‌های جوامع عصر اطلاعات و ارتباطات را مورد بحث قرار داده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۴۳).

نظارت الکترونیکی دولت بر اطلاعات افراد، در نگاه اول به عنوان دسترسی به حریم خصوصی، ناقض حقوق کاربران است. اما با توجه به ضرورت حکمرانی دولت‌ها، وقتی لزوم حفظ حریم خصوصی از جانب دولت‌ها مطرح می‌شود، امری لازم و ضروری است.

فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، علاوه بر افزایش سرعت گردش اطلاعات در فضای مجازی، امکان ذخیره داده‌ها و اطلاعات را در حجمی گسترده و غیرقابل باور بوجود آورده و به شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی منتهی شده است. در چنین جامعه‌ای، همزمان با افزایش اطلاعات امکان دستبرد و نظارت بر آنها نیز فراهم شده است. دین نظریه خوشبینانه و بدبینانه نسبت به تکنوکراسی (فن سالاری) و لزوم نظارت دولت بر اطلاعات در فضای مجازی وجود دارد. نظریه اول حفظ حریم خصوصی افراد را مدنظر می‌گیرد و با نظارت مخالفت می‌کند. نظریه دوم، ضرورت گردش آزادانه اطلاعات را مطرح می‌کند و معتقد است نظارت دولت بر داده‌ها و اطلاعات افراد باعث حفظ امنیت داده‌ها و به تبع آن، حفظ حریم خصوصی می‌شود. در این تحقیق برخورد و تضاد بین تکنوکراسی و حریم خصوصی را علاوه بر آن که بازی برد-برد برای هر دو سوی تضاد می‌بیند، با تکیه بر نظریه «نظم خودجوش» فردریش هایک، تناقض نمای «نظارت» و «حریم خصوصی» را نه تنها یک تناقض غیرقابل حل، بلکه نظمی خودجوش می‌داند. آخرین دلیل برای نیاز جامعه اطلاعاتی به نظارت و حفظ حریم خصوصی با فرض تضاد بین این دو آن را با نظریه دیالکتیکی ضرورت سنتز جامعه می‌داند. براین اساس در دستگاه دیالکتیک عناصر معارض در یک مجموعه ای قرار می‌گیرند و با کشمکش میان خود، حرکت و دگرگونی را با کارکرد خود، موجب می‌شوند.

طرح مساله

با افزایش حجم اطلاعات در گردش فضای مجازی، از یک سو افزایش شتابناک داده‌ها و اطلاعات، مساله داده‌های بزرگ^۱ و سوء استفاده از آن را پیش روی جوامع سرشار از اطلاعات قرار داده و از سوی دیگر علاوه بر خطر سرقت اطلاعات^۲، مساله نظارت، کنترل و سانسور اطلاعات را از جانب دولت‌ها و یا کاربران بوجود آورده است. از یک سو این حجم از اطلاعات، بر پیشرفت دانش بشری و خلاقیت

۱. مقایسه و قرار دادن وقایع در دسته‌های معین.
۲. تدقیق و پالایش دسته‌ها.
۳. جستجو برای یافتن انواع روابط و مضمون‌های مشترک میان دسته‌ها.
۴. ساده کردن و ترکیب داده‌ها در یک ساختار نظری منسجم. در مرحله اول پس از آنکه داده‌ها برای تحلیل آماده شد، پژوهشگر هر واحد تحلیل را در دسته‌های موقتی که در نظر دارد قرار می‌دهد. در این مرحله پژوهشگر شروع به تنظیم دسته‌ها یا مقوله‌ها می‌کند. در مرحله دوم پژوهشگر قواعد یا گزاره‌هایی را که تلاشی برای توصیف معنای ضمنی تعریف کننده هر مقوله محسوب می‌شود را یادداشت می‌کند. مرحله سوم نیازمند جستجو برای یافتن روابط و الگوهای مشترک میان دسته‌ها است. پژوهشگر در پی حلقه‌های ارتباطی معنادار است. هدف از این مرحله تدوین عبارت‌هایی است که می‌تواند پدیده مورد بررسی را تبیین و روشن کند. در مرحله پایانی گزارشی که پژوهش را خلاصه و جمع‌بندی می‌کند نوشته می‌شود. پژوهشگر می‌کوشد تا تبیین کوتاهی را ارائه دهد که به اندازه کافی جان کلام طرح تحقیقاتی را برساند. هدف از این مرحله دستیابی به فهم مناسبی درباره رویدادی است که مطالعه شده است (ویمر، دومینیک، ۱۳۹۳: ۱۶۶-۱۶۷).

نظارت الکترونیکی

نایسبیت در سال‌های پایانی قرن بیستم میلادی تغییرات فناوری را موجد یک "تناقض‌نما"^{۱۲} در قرن ۲۱ می‌داند که بشر پیشرفته با آن روبه‌رو خواهد شد، انقلاب فناوری‌ها، تغییراتی را در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آورد که نتیجه‌ای جز "تناقض‌نما" شدن وضعیت آینده نخواهد بود:

انقلاب با هم‌آمیزی تغییرات فناوری، مرحله‌ای از محیطی تازه را برای اختیارات انسان‌ها فراهم می‌کند که هرگز قبلاً وجود نداشته است.

امروزه کارت هویت تجاری افراد می‌تواند فهرستی از شماره تلفن‌های دفتر و خانه‌اش را به همراه رمز عبور اینترنت، شماره نمابر و نشانی پست الکترونیکی به او بدهد. در آینده‌ای نزدیک، هر شخصی می‌تواند شماره‌های دائمی همراه خود داشته باشد. رایانه به‌عنوان یک همراه (که همیشه همراه اوست) برای او معین می‌کند که چه پیامی را برای چه کسی بفرستد. افراد می‌توانند برای کسانی که در جهان زندگی می‌کنند و معلوم نیست که در کجا هستند، پیام بفرستند.

درباره جامعه نظارتی چهارخط فکری در دوران مدرن شامل ۱- ارتباط با دولت یا نظارت دولتی بر شهروندان (beniger, 1986)، ۲- نظریه نظارت بوروکراتیک دولت بر شهروندان، یا نظم بوروکراتیک ماکس وبر (رابینز، ۱۳۷۹: ۴۰۵)

۳- نظریه منطق فناورانه و نقش فناوری‌های جدید در نظارت بر جامعه (پستمن، ۱۳۷۳: ۱۸). ۴- نظریه اقتصاد سیاسی که مبتنی بر سلطه صاحبان سرمایه بر کارگران و نظارت در محیط کارخانه و جامعه است. (شیلر، ۱۳۷۷)

دو خط فکری هم به تبیین نظارت الکترونیکی در دوران پست مدرن می‌پردازند. نظریه گفتمان: قدرت و دانش میشل فوکو (Foucault, 1980) و نظریه وانمایی و حاد واقعیت، ژان بودریار (بودریار، ۱۴۰۰)

به موازات شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی، شیوه‌های جدید نظارت بر اطلاعات نیز در جامعه پدیدار شده‌اند (beniger, 1986: 21-7)

همچنین محقق در ادامه تحقیقات خود درباره جامعه نظارتی در ایران تاکنون چهار تحقیق انجام داده است. (مسعودی، ۱۳۸۴، ۱۳۹۹، ۱۳۹۱، ۱۳۸۲) که ابعاد گوناگونی از نظارت الکترونیکی در ایران را بررسی کرده است. براساس این تحقیقات و بررسی منابع موجود می‌توان به تامل روش شناسی تحقیق پرداخت.

تاملات روشی

این پژوهش با روش مطالعات استادی انجام گرفته است. پژوهشگر از تکنیک مقایسه دائمی^{۱۱} برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد تا بتواند ضمن دسته‌بندی داده‌ها، تبیینی مناسب برای پرسش تحقیق ارائه دهد و آن را تبیین کند. تکنیک مقایسه دائمی توسط گلازر و اشتراوس ارائه شد (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۰۰) و به نظر آن‌ها این تکنیک در ایجاد نظریه‌ای که بر داده‌ها استوار است مهم و کاربردی است (Tesch, 1990: 96). با مقایسه، پژوهشگر قادر خواهد بود تا کاری را که برای توسعه نظریه استقرایی لازم است به وسیله دسته بندی نظریه‌ها، و ارتباط آنها با یکدیگر انجام دهد. در تکنیک مقایسه دائمی توصیف در آغاز پژوهش با مقایسه داده‌های ثبت شده بر روی فیش‌ها انجام می‌گیرد.

به بیان خلاصه تکنیک مقایسه دائمی شامل چهار مرحله زیر است:

روزنامه‌ای در دهه ۱۸۶۰، پیدایش نشانه‌های مربوط به علائم تجاری و آگهی‌های یک صفحه‌ای مبتنی بر علائق انسانی در دهه ۱۸۷۰، سندیکا‌های روزنامه‌ها، لاینوتایپ، ژورنال‌های تبلیغاتی و استفاده از تبلیغات سراسری در دهه ۱۸۸۰، مشابه‌سازی بیلبوردها، مجوزهای چاپ، و بالأخره در دهه ۱۸۹۰ ظهور نویسندگان تمام‌وقت و دفاتر تبلیغات شرکتی همگی به‌عنوان فناوری‌هایی برای کنترل تولید و مصرف آدم‌ها به شمار می‌آیند. (مسعودی، ۱۳۹۹ب: ۹۴) باید توجه داشت که میان نظارت^{۱۵}، سانسور^{۱۶} و کنترل^{۱۷} تفاوت‌هایی وجود دارد و نمی‌توان این سه پدیده را مشابه یا همانند دانست. در نظارت، داده‌ها پایش می‌شوند. در سانسور کل داده‌ها حذف می‌شوند و در کنترل بخشی از داده‌ها حذف می‌شوند.

نظارت و حکمرانی

همچنانکه در فضای واقعی، افراد دارای حریم خصوصی هستند و اطلاعات آن‌ها از دسترس عموم خارج است. در فضای مجازی نیز این حریم، وجود دارد و حفظ آن از دسترس عموم به‌عنوان یک حق مطرح می‌شود. خانه یک حریم خصوصی است و مسئولیت افراد در حفظ امنیت و عدم تعرض دیگران به این حریم را برعهده دارند. اما اگر شبانه دزدی به این خانه دستبرد زد و گریخت، توان برخورد با سارقان را صاحبخانه به تنهایی دارد؟ مثلاً اگر دزد را شناسایی کند می‌تواند خودسرانه وارد خانه سارقان شود؟ در این صورت اگر چند سرت در یک شب و در یک شهر اتفاق بیافتد و مالباختگان خودشان بخواهند سارقان را مجازات کنند، آیا آن شهر دچار بی‌نظمی و ناامنی نمی‌شود؟ بگذارید با مثالی دیگر موضوع را بیشتر روشن کنیم، اگر حفظ حریم خصوصی خانه افراد بردوش خودشان باشد، حفظ امنیت شهروندان در کوچه و خیابان هم برعهده آن‌ها است؟ اگر کیف اسناد با ارزش شما را در خیابان چند نفر با تهدید و ارعاب بدزدند و شما نتوان در مقابله با آن‌ها باشید و بعد از سرقت هم به دنبال دستگیری سارقان و مجازات آن‌ها باشید، بجز توان اجرایی آیا توان مالی و صرف زمان لازم را برای تعقیب دزدان دارید؟ این جاست که مالباختگان به حکمرانی دولت گردن می‌نهند و این از وظایف حاکمان است که از جان و مال و ناموس و «اطلاعات» آنان محافظت کند و این محافظت بدون نظارت، کنترل و سانسور امکان‌پذیر نیست.

بنابراین، ما همواره می‌توانیم به یک مکان زنگ بزنیم و از یک شخص بپرسیم که چه می‌کند. (در حال حاضر فقط از یک سوم تماس‌های واقعی خود در جهان استفاده می‌کنیم). در جهان نوین ما می‌توانیم با یک شماره واحد با چند شخص و رایانه در هر کجا که باشند، ارتباط برقرار کنیم.

این شماره‌گیری‌ها و تماس با اشخاص به‌عنوان جایگاه انقلاب جدید ارتباطات دور در قالب استعاره «متناقض نمای جهان»^{۱۳} قابل بیان است: نظام بزرگ‌تر در خدمت بازیگران کوچک‌تر. (مسعودی، ۱۳۹۹: ۷۱) به نقل از (naisbitt, 1994: 356).

اما دو اثر تازه انتشار یافته از جیمز. ار. بنیگر با عنوان *انقلاب کنترل، فناوری و اقتصاد سرچشمه‌های جامعه اطلاعاتی* (۱۹۸۶) و یک اثر دیگر از دیوید لایون با عنوان *چشم الکترونیک: پیدایش جامعه نظارتی* (The Elec-tronic Eye: the rise of surveillance society). به‌طور مستقیم وارد مباحث مربوط به جامعه اطلاعاتی و جامعه نظارتی شده‌اند و ابعاد گوناگون چنین جوامعی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند؛ که پیش از این نیز به این دو اثر پرداختیم. (لایون، ۱۹۹۴)

طبقه‌بندی «جیمز بنیگر»^{۱۴} استاد مدعو ارتباطات و جامعه‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و نویسنده اثر معروف *انقلاب کنترل: ریشه‌های فناوری و اقتصادی جامعه اطلاعاتی* در مورد این جامعه نیز قابل توجه است. او جامعه اطلاعاتی را با وجود طی کردن مراحل، هنوز هم جامعه‌ای در حال شکل‌گیری بیشتر می‌داند. (beniger, 1986: 21-27) بنیگر با طرح نظریه کنترل معتقد است، بسیاری از فناوری‌ها برای کنترل تولید و مصرف انسان‌ها به وجود آمده‌اند. مواردی چون استانداردهای تولید در دهه ۱۸۴۰، توصیه‌های صنعتی در دهه ۱۸۵۰، پردازش مستمر فناوری‌ها در دهه ۱۸۶۰، حسابداری مبتنی بر سفارش‌های فروشگاه‌ها و معماری‌های کارخانه‌ها برای افزایش سرعت پردازش در دهه ۱۸۷۰، پیدایش بخش‌های تثبیت نرخ، کنترل هزینه‌ها، و ثبت ساعت‌های حضور کارمندان در محل کار در دهه ۱۸۸۰ و ثبت ساعت‌های حرکت در جاده‌ها، جزو نشانه‌های پدیده کنترل در تولید هستند. اما در مورد کنترل مصرف نیز می‌توان به این موارد اشاره داشت: آژانس‌های تبلیغاتی و اتحادیه‌های مطبوعاتی در دهه ۱۸۴۰، استفاده از نسخه واحد آگهی در دهه ۱۸۵۰، انتشار کتاب‌های

حریم خصوصی

فتحی و شاهمرادی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان: «گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی» معتقدند:

حریم خصوصی محدوده معقولی است که فرد انتظار دارد از دسترس دیگری مصون بماند. این دیگری می تواند هم دولت باشد و هم سایر اشخاص حقیقی و حقوقی، لذا حریم خصوصی در فضای مجازی نیز تعریفی مشابه دارد. اما این فضا باعث شده تهدیدها و فرصت های جدیدی در حریم خصوصی افراد ایجاد شده و حریم خصوصی در فضای مجازی با سئوالات، ابهامات و چالش هایی مواجه شده است. ابتدا باید به ریشه شکل گیری مفهوم حریم خصوصی و فضای مجازی بپردازیم، حریم خصوصی از زمانی اهمیت پیدا می کند که فرد اهمیت دارد و بدون فرد، حریم او هم وجود نخواهد داشت. از این روست که حریم خصوصی یک مفهوم مدرن است. حال با توجه به این نکته که همین فرد، تأثیرگذارترین عنصر در فضای مجازی است و فرد است، که به اینترنت به مثابه کاربر آن هویت می بخشد، بررسی مفهوم و گستره حریم خصوصی در فضای مجازی اهمیتی دوچندان پیدا می کند. حال که معلوم شد چرا و چگونه موضوع حریم خصوصی با فضای مجازی و شبکه اجتماعی گره خورده است، مهم ترین سؤال این مقاله شکل می گیرد که مفهوم، گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی چیست. طبیعتاً با روشن شدن این مسأله باید به دنبال پیدا کردن بسترهای نقض حریم خصوصی در فضای مجازی بوده و به این موضوع پرداخت که چه کسانی و با چه اهدافی اقدام به نقض حریم خصوصی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی می کنند، تا راهکارهایی را برای جلوگیری از این نقض پیدا کرد. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال تبیین این موضوعات رفته است. آلن وستین، اختیار فرد برای حفظ یا ارائه اطلاعات خصوصی اش را از مختصات حریم خصوصی می داند: «در یک جامعه آزاد و تابع استثنائات فوق العاده در جهت منافع عموم، اختیار تصمیم گیری نسبت به اینکه چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات شخصی برای عموم قابل افشا است باید موکول به نظر افراد باشد.» (Westin, 1962: 42)

در طول سال ها مواد قانونی مختلفی در حمایت از حریم خصوصی افراد تدوین شده است برای مثال در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آورده شده که زندگی خصوصی

یا امور خانوادگی یا محل سکونت یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود. همچنین به حیثیت و حسن شهرت هیچ کس نمی توان حمله کرد. هر کس حق دارد در اینگونه دخالت ها یا تجاوزها از پشتیبانی قانونی برخوردار باشد. طبق ماده ۱۷۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد مداخله خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد عرض غیرقانونی واقع شود.»

حریم خصوصی به طور صریح در قوانین ایران مورد حمایت واقع نشده است ولی می توان ذیل قوانین مختلف، حریم خصوصی را مورد بررسی قرار داد. در قانون اساسی ایران در اصل ۲۵، آزادی ارتباطات در مورد شایع ترین وسایل ارتباطی حمایت شده است. این اصل یکی از مهم ترین اصول قانون اساسی است که به نحو روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است. با تفسیر کلمات حیثیت و جان مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی، حریم خصوصی جسمانی را می توان مشمول حمایت های قانون اساسی دانست. در اصول ۱۴ و ۲۰ قانون اساسی بر رعایت حقوق انسانی همه افراد تأکید شده است. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

به نظر می رسد حریم خصوصی همچون مایملک فرد در جامعه به شمار می آید و برای حفظ آن قوانینی تصویب می شود.

طبق قانون آیین دادرسی کیفری، درباره منازل حق حریم خصوصی و حق مالکیت با یکدیگر عجین می شوند و لذا حمایت از حریم خصوصی منازل در مقایسه با حریم خصوصی سایر اماکن مضاعف می شود. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

به نظر می رسد اطلاعات و داده های افراد و کاربران در فضای مجازی همچون فضای واقعی جامعه، اموال خصوصی افراد قلمداد می شوند. در موارد ۵۸ و ۵۹ قانون تجارت الکترونیک برخی از اصول ناظر بر حمایت از حریم داده های شخصی در محیط الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می توان به اصل تحصیل قانونی و مبتنی بر رضایت سوژه یا شخص موضوع گردآوری و پردازش (ماده ۵۸) اصل تحصیل مضیق و مرتبط (بند های الف و ب ماده ۵۹) اصل درستی یا صحت داده های

است. تکنوکرات در سطح کلان کسی است که فن، تکنیک، فن آوری و ماشین را در مدیریت به کار می گیرد. اطلاق واژه تکنوکرات در قرن اخیر که سلطه ماشین و فن آوری بر انسان بیشتر شده است معنا پیدا می کند.

تکنوکراسی نیز که بر گرفته از تکنوکرات است به دو معناست اول، نظامی است که در آن حاکمیت علوم و فنون و ماشین بر انسان پذیرفته شده است. دوم، صاحب فنون بر بکار گیرنده فن تسلط دارد.

مفهوم تکنوکراسی در سطحی بالاتر و عمیق تر در مفهوم «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد. بنابراین درباره اهداف به لحاظ ارزشی و اخلاقی داوری ندارد و اساساً برایش موضوعیت ندارد و فقط تحقق هدف مهم است.

اما آیا حاکمیت و سلطه تکنیک، فناوری و ماشین بر انسان مضر است؟

باید توجه داشت هنگامی که سلطه و حاکمیت چیزی را بر خود می پذیریم ناگزیر به اجرای فرامین و قوانین آن هستیم پس حاکمیت فن و ماشین به معنای قبول نظم و قوانین ماشینی است. بدین معنا که در اتخاذ سیاست ها و تصمیم گیری ها عوامل فنی و ماشینی نقش نخست را دارند و سایر عوامل از جمله ارزش های انسانی و اخلاقی و دینی در این مقوله جایی ندارد.

معنی تکنوکرات چیست؟ به روایت داریوش آشوری «فن سالاری یا تکنوکراسی»^{۱۸} اصطلاحی است که در ۱۹۱۹ ویلیام هنری اسمیت، نویسنده آمریکایی، ساخت و با آن پیشنهاد حکومت فن کاران را مطرح کرد.

هواداران فن سالاری پس از جنگ جهانی اول به مطالعه وضع اقتصادی ایالات متحده آمریکا پرداختند و یکی از ایشان به نام هووارد اسکات با نوشتن کتاب مهندسان و سیستم قیمت اصطلاح فن سالاری (تکنوکراسی) را رواج داد» (آشوری، ۱۳۹۹: ۲۴۵)

جنبش فن شناسی^{۱۹} در سال های نخستین بحران بزرگ ۱۹۳۰ رواجی داشت، اما این اصطلاح در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه رواج گسترده یافت و فرانسویان آن را دنباله نظریه های سن-سیمون دانستند که برای آینده، جامعه ای را پیش بینی کرده بود که در آن حکومت به دست دانشمندان و مهندسان خواهد بود.

آشوری به نقل از ژان مونو می گوید: «نوع تازه ای از حکومت آغاز می شود که نه دموکراسی است و نه

گردآوری شده (مندرج ماده ۵۹) اصل دسترسی ذینفع به داده پیام های مرتبط با خود (بند د ماده ۵۹) و بالاخره اصل اصلاح و امحاء (بند دو ماده ۵۹) اشاره کرد.

در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص آزادی شخصی افراد و مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ در حمایت از حریم خصوصی جسمانی افرادی که به حبس یا توقیف غیر قانونی افراد ملت اقدام می کنند مجازات هایی را پیش بینی کرده است. مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ برای نقض حریم خصوصی منازل و مواد ۶۹۱ و ۶۹۲ نیز برای حریم خصوصی اماکن ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرده اند.

شاید بتوان گفت: تعریف جامع و کامل از حریم خصوصی عبارت است از قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً، عرفاً یا با اعلام قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نظارت یا نگاه نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم ترین مضادین حریم خصوصی هستند. (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۶) اکنون باید ببینیم در فضای مجازی که تکنیک و فن این اجازه را به افراد می دهد که حریم دیگری را بشکنند، آیا باید با تکنوکراسی «فن سالاری» مقابله کرد و یا آنکه با حفظ تکنوکراسی، با نظارت بر داده ها و حریم افراد از نقض این فضا جلوگیری کرد؟

تکنوکراسی

از میان چهار نظریه درباره نظارت بر شهروندان، نظریه سوم نظریه نظارت بوروکراتیک دولت بر شهروندان، یا نظم بوروکراتیک ماکس وبر (رایبزنز، ۱۳۷۹: ۴۰۵) در این تحقیق به نظریه تکنوکراسی نزدیک تر است زیرا با نظم بوروکراتیک، نظارت بر شهروندان را قوام و دوام می بخشد.

بسیاری در نظریه بدبینانه خود تکنوکراسی را ناقض حریم خصوصی می دانند در حالیکه همین تکنوکراسی است که امکان تبادل اطلاعات، تولید و توزیع انبوه آن ها در جوامع امروزی فراهم کرده است و لذا نمی توان با حذف آن اصولاً تعریفی از اطلاعات و داده های شخص و حریم خصوصی افراد ارائه کرد. برای روشن شدن موضوع بهتر است به تعریفی از تکنوکراسی دست یابیم. تکنوکرات و تکنوکراسی دارای مفاهیمی در بعدهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی

«تیس ساید»^{۲۲} انگلستان و نویسندگان کتاب «جامعه انفورماتیک» به شکل‌گیری رایانه و رسانه‌ها در روابط اجتماعی پرداخته و یادآور می‌شوند:

سرعت به هم پیوستن رسانه‌های جدید مانند اینترنت، تلویزیون دیجیتال، تلفن همراه و دیگر فناوری‌های ارتباطی قدرتی را شکل دادند که زمینه برای چالش‌های جامعه و رفتارهای اقتصادی افراد فراهم کرده‌اند (keeble and loader, 2001: 1).

بر اساس بررسی فرانک و بستر در کتاب نظریه‌های جامعه اطلاعاتی به طور کلی پنج‌گونه تعریف از جامعه اطلاعاتی ارائه شده است. این تعاریف بر اساس آنکه بر کدام جنبه از حیات اجتماعی تأکید کرده‌اند، به این شرح‌اند:

۱- تعریف تکنولوژیک در این تعریف کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی در تمامی زوایای حیات اجتماعی انجامیده است
۲- تعریف اقتصادی صاحب‌منظران در این تعریف ارزش اقتصادی بخش اطلاعات و نقش آن در تولید ناخالص ملی را محاسبه کردند.

۳- تعریف مبتنی بر اشتغال، یعنی مشاغل اطلاعاتی به وجه غالب در میان مشاغل موجود تبدیل می‌شوند.

۴- تعریف مکانی، این تعریف از جامعه اطلاعاتی می‌گوید شبکه‌های اطلاعاتی، مکان‌های جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌زنند و در نتیجه شاهد آثار شگفت‌انگیزی بر سامان‌دهی زمان و مکان دارند.

۵- تعریف فرهنگی، اطلاعات به‌درون خصوصی‌ترین و آن هم در محرمانه‌ترین بخش آن، یعنی اتاق خواب و حتی اندام انسان باعث شده است تا صنایع مدسازی و آژانس‌های جهان تولید رسانه‌ای بازتاب‌هایی را از شیوه‌های گوناگون زندگی و سبک زندگی دیگران را به عرصه حیات اجتماعی دیگر جوامع وارد کنند (وبستر، ۱۳۸۰: ۴-۵۳).

در تعریف جامعه نظارتی باید آن را پدیده‌ای که از دل جامعه اطلاعاتی شکل می‌گیرد، دانست. در واقع جامعه نظارتی روی دیگر سکه جامعه اطلاعاتی است. بدون اطلاعات نظارت معنی ندارد. همچنانکه بدون حضور شهروندان در یک شهر، حضور پلیس بی معنی است. درباره جامعه نظارتی چهارخط فکری در دوران مدرن شامل ارتباط با دولت یا نظارت دولتی بر شهروندان، نظریه نظارت بوروکراتیک دولت بر شهروندان، نظریه منطق

بوروکراسی، بلکه تکنوکراسی است.»

دردان‌المعارف علوم اجتماعی دو تعریف برای تکنوکراسی ارائه شده است:

۱- به معنای فن سالار، فن مدار، کارشناس فنی، کسی که سلطه مدیریتی را اعمال کرده و هوادار تکنوکراسی است. واژه تکنوکراسی در دو معنای متمایز به کار می‌رود:

۱. حاکمیت وسایل فنی بر انسان: در این معنا به پدیده خاصی اطلاق می‌شود که مخصوصاً در عصر جدید با انباشتی، گسترش و حضور همه‌جانبه و همه‌جایی وسایل فنی و ماشین تجلی یافته است. این وسایل چنان پیچیده‌اند که گاه خالق نور یعنی انسان را اسیر خود می‌سازند، آهنگ خاص خود را بر حیات او تحمیل می‌نمایند. با تولید انبوه، مصرف انبوه و فراوان نیز باید همراه گردد. از این رو تبلیغات شدید تجاری، حریم آزادی انسانها را از بین می‌برد.

۲. حاکمیت صاحبان فنون: پیچیدگی فنون با خود تخصص‌هایی پیچیده را به همراه می‌آورد. آنان که بدین فنون تسلط دارند، آنها را به خواست خود می‌چرخانند و خود به صورتی در زمره صاحبان قدرت در جامعه صنعتی به شمار می‌روند، بعضی چون گوریچ سلطه صاحبان فنون جدید را با آزادی انسان‌ها منافی می‌دانند. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۸۷۶)

همچنین تکنوکرات به کسی که ماموریت اداری و مدیریتی خویش را منحصر بر اساس تئوریهای اقتصادی انجام داده و به عوامل انسانی توجه کافی ندارد.

با تعاریفی که از تکنوکراسی ارائه شد می‌توان این نظر داریوش آشوری را پذیرفت که به نقل از ژان مونتو می‌گوید: در جامعه اطلاعاتی: «نوع تازه‌ای از حکومت آغاز می‌شود که نه دموکراسی است و نه بوروکراسی، بلکه تکنوکراسی است.» (آشوری، ۱۳۹۹: ۲۴۵). و اما جامعه اطلاعاتی و جامعه نظارتی کدامند؟

جامعه اطلاعاتی و جامعه نظارتی

بدون ارائه تعریفی از «جامعه اطلاعاتی» نمی‌توان به تعریف و شناخت «جامعه نظارتی» و «نظارت الکترونیکی» رسید.

بیشتر نظریه‌پردازان و متفکرانی که به بحث و بررسی جامعه اطلاعاتی پرداخته‌اند، علاوه بر تولید اطلاعات، بر سرعت تحولات فناوری در شکل‌گیری این جامعه نیز تأکید داشته‌اند.

لی کیبل^{۲۳} و «بریان. دی. لودر»^{۲۴} استادان دانشگاه

فناورانه و نقش فناوری‌های جدید در نظارت بر جامعه و نظریه اقتصاد سیاسی که مبتنی بر سلطه صاحبان سرمایه بر کارگران و نظارت در محیط کارخانه و جامعه است. پر رنگ ترین خط فکری، منطق فناورانه و حاکمیت تکنوکراسی بر جامعه اطلاعاتی است که منتقدان را به طرح مساله تناقض نمای حریم خصوصی و نظارت دولت را بیان می کند.

دو خط فکری هم به تبیین نظارت الکترونیکی در دوران پست مدرن می پردازند. نظریه گفتمان: قدرت و دانش از میشل فوکو و نظریه وانمایی و حاد واقعیت از ژان بودریار. ازهمین رو می بینیم که به موازات شکل گیری جامعه اطلاعاتی، شیوه های جدید نظارت بر اطلاعات نیز در جامعه پدیدار شده اند. شناخت این گونه از نظارت می تواند

ما را دریافتن پاسخ مساله تحقیق رهنمون باشد. (beni-ger,1986:21-7).

مخالفان نظارت الکترونیکی دولت

مهمترین نقشی که تاکنون دولت ایران در بخش نظارت الکترونیکی ایفا کرده است، تشکیل شورای عالی مجازی، شناسایی سایت های متخلف و مسدود سازی آن ها از طریق «فیلترینگ» بوده است. آغاز فیلترینگ را باید از حوادث سیاسی خرداد ماه ۱۳۸۸ و اعتراض خیابانی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دانست. استفاده معترضان از شبکه اجتماعی فیس بوک، دولت را به فیلتر کردن این وب سایت واداشت. پس از آن بسیاری از سایت های غیراخلاقی و یا متخلف از نظر شورای عالی فضای مجازی مسدود شده اند و البته کاربران با استفاده از فیلتر شکن همچنان به سایت های مسدود شده دسترسی دارند!

استفاده از فیلترینگ در کشورهای اروپایی و امریکا؛ بیشتر شامل پلاتفرم ها، وب سایت ها و شبکه هایی می شود که به نفوذ بیگانگان در کشور کمک می کنند، برخلاف قانون به تجارت سکس کودکان می پردازند و یاسایت هایی که به گسترش تروریسم کمک می کنند. همچنین این نظارت از دسترسی کودکان به محتوای صریح جنسی جلوگیری می کند، برای مثال می توان به شیوه های نظارت الکترونیکی دولت های امریکا و کانادا بر فضای مجازی اشاره کرد:

پالایش در امریکا در سه سطح کلی اعمال می شود که مقابله بانفوذ خارجی (مانند پلاتفرم های چینی) یا مقابله با تروریسم که در واقع مقابله با حق طلبی مردم فلسطین است؛ دو سطح نخست را در برمی گیرد و عدم دسترسی کودکان به محتوای صریح جنسی در سطح سوم که عملاً به دلیل کارکرد صنعت سودآور پورنوگرافی در امریکا به سوء استفاده جنسی از کودکان منجر شده است!

موارد فیلترینگ در کانادا را می توان در دودسته کلی تقسیم بندی کرد:

۱- گروه موضوعات مفهومی که بیشتر فاقد مصداق عینی و مشترک در میان حکمرانان است. مانند تروریسم که

دو خط فکری هم به تبیین نظارت الکترونیکی در دوران پست مدرن می پردازند. نظریه گفتمان: قدرت و دانش از میشل فوکو و نظریه وانمایی و حاد واقعیت از ژان بودریار. ازهمین رو می بینیم که به موازات شکل گیری جامعه اطلاعاتی، شیوه های جدید نظارت بر اطلاعات نیز در جامعه پدیدار شده اند. شناخت این گونه از نظارت می تواند ما را دریافتن پاسخ مساله تحقیق رهنمون باشد. (beni-ger,1986:21-7).

مخالفان نظارت الکترونیکی دولت

مهمترین نقشی که تاکنون دولت ایران در بخش نظارت الکترونیکی ایفا کرده است، تشکیل شورای عالی مجازی، شناسایی سایت های متخلف و مسدود سازی آن ها از طریق «فیلترینگ» بوده است. آغاز فیلترینگ را باید از حوادث سیاسی خرداد ماه ۱۳۸۸ و اعتراض خیابانی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دانست. استفاده معترضان از شبکه اجتماعی فیس بوک، دولت را به فیلتر کردن این وب سایت واداشت. پس از آن بسیاری از سایت های غیراخلاقی و یا متخلف از نظر شورای عالی فضای مجازی مسدود شده اند و البته کاربران با استفاده از فیلتر شکن همچنان به سایت های مسدود شده دسترسی دارند!

اما اخیراً جمعی از نمایندگان مجلس، با عنوان صیانت از کاربران در فضای مجازی و با ارائه طرحی مبهم در مجلس شورای اسلامی مجدداً اعتراض ها را نسبت به تکنوکراسی و نظارت الکترونیکی دولت برانگیخته اند.

جمعی از فعالان فضای مجازی و عامه مردم برای مخالفت با طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» کارزاری اینترنتی تشکیل داده و خواستار جلوگیری از تصویب و اجرای آن شده اند. مخالفان می پرسند: فیلترینگ چه بر سر مردم می آورد؟

به گزارش سایت خبری تجارت نیوز، مجلس به دنبال

و برخلاف تصور افلاطونی، انعکاس ماهیات و مثل ابدی و ثابت نیست. عقلانیت معطوف به سازندگی، که بر دخالت و طراحی عقلانی تأکید می‌کند، نیز رشد خودجوش ذهن و تکاملی بودن آن را نادیده می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۴).

بر اساس دیدگاه فلسفی «هایک» می‌توانیم بگوییم، وجود جامعه نظارتی و انطباق آن با جامعه اطلاعاتی یک تناقض نیست. شاید مثالی در این باره مفهوم این دیدگاه را برای ما روشن کند: (همان بشیریه: ۱۵۳)

زبان، یک نظم خودجوش است. کسانی که به زبان فارسی یا هر زبان دیگری سخن می‌گویند. از دیدگاه «هایک» از یک نظم خودجوش بهره می‌گیرند که در عین حال نظمی «جبری» است. یعنی نمی‌توان هنگام صحبت کردن با کسی نظم دستور زبان فارسی را اجباری رعایت کرد. شما می‌توانید بدون آنکه کسی اراده شما را محدود کرده باشد، سخن بگویید و با دیگران ارتباط برقرار کنید.

بنابراین رعایت چارچوب دستوری و فوتتیک در هر زبان، به‌عنوان نظمی خودجوش به ادامه حیات آن زبان کمک می‌کند. از این رو می‌توان گفت: حیات جامعه نظارتی همچون قواعدی خودجوش در جامعه اطلاعاتی ادامه یافته و تناقضی با آن ندارد و چنانکه پیش از این نیز یادآور شدیم. تسهیل در دسترسی به اطلاعات و تسهیل فناوری برای نظارت در واقع دو روی یک سکه‌اند. و هر نامی که برای این سکه انتخاب کنید باید در برگرفته نقاط مثبت و منفی آن باشد.

فریدریش فون‌هایک، بر خودجوش بودن نظم در جامعه مدرن تأکید می‌ورزد و پیچیدگی این نظم را یکی از مشکلات برنامه‌ریزی می‌داند که تنها در سایه بهبود و الزام به رعایت قواعدی که نظم خودجوش را شکل می‌دهد، قابل حل است. از آنجا که ساختار جامعه مدرن وابسته به سازمانی نبوده و به‌صورت یک نظم خودجوش رشد کرده است، توانسته به چنان درجه‌ای از پیچیدگی دست یابد که بسیار فراتر از توان هرگونه سازمان‌دهی عامدانه است. در واقع، این قواعد که رشد چنین نظم پیچیده‌ای را ممکن ساختند، مسلماً در آغاز به منظور رسیدن به چنین نتیجه‌ای طراحی نشده بودند؛ ولی آن دسته از مردمانی که از قضا قواعد مناسبی را اتخاذ کردند، تمدن پیچیده‌ای را به‌وجود آوردند که بعدها به کرات

در برخورد با آن نظرات مختلف و گاه متضاد وجود دارد.. یا نقض حقوق بشر، که هر حکمرانی می‌تواند دیگری را به نقض آن متهم کند. دایره مفهومی مطالب نفرت‌انگیز هم بسیار گسترده است.

۲- گروه دوم بیشتر فیلترینگ اخلاقی و پالایش مطالب پورنوگرافی (هرزه‌نگاری) است. مانند هرزه‌نگاری کودکان، فیلم‌های مستهجن، هتک حرمت امور جنسی و نزدیکی جنسی با حیوانات. که مورد آخر معمولاً در جوامع لیبرالیستی بیشتر رایج است و کشورهایی که دارای فرهنگ سنتی و دینی هستند از آن مبرا می‌باشند. روان‌شناختی فیلترینگ در کانادا بر ابهام در امور حکمرانی و شفافیت در پالایش مطالب هرزه‌نگاری است. (تابناک ۱۳۹۰)

اکنون که ملاحظه شد با رشد فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی شهروندان به عنوان کاربران در فضای مجازی با تولید اطلاعات به شکل گیری جامعه اطلاعاتی از یک سو و جامعه نظارتی از سوی دیگر پرداخته اند و مساله تضاد و ناسازگاری حفظ حریم خصوصی و نظارت الکترونیکی را درگرو حذف یکی از آنان می دانند و این راه حل با توجه به اینکه حذف یکی، نابودی دیگری را در پی دارد، نمی تواند پاسخی به حل مساله تحقیق ارائه دهد برای حل مساله به نظریه های فلسفی «نظم خودجوش» هایک، «دیالکتیک» مارکس و نظریه ریاضی «ناصفر» رابرت رایت می پردازیم.

نظم خودجوش

برای حل مسئله تناقض آمیز^{۲۳} جامعه نظارتی و جامعه اطلاعاتی، باید از دیدگاه «فریدریش فون‌هایک»^{۲۴}، فیلسوف اتریشی تبار انگلیسی و یکی از مهم‌ترین نمایندگان موج تازه لیبرالیسم، بعد از جنگ جهانی دوم، بهره گرفت.

نظریه هایک درباره «نظم خودجوش»^{۲۵}، رشد خودجوش شبکه‌های اینترنتی را به خوبی تبیین می‌کند:

هایک بر آن است که نخستین بار برنارد ماندویل^{۲۶} الگوی کلی رشد خودجوش را در زمینه‌هایی چون اخلاق، حقوق، زبان و اقتصاد کشف کرده است. به نظر او همین رشد خودجوش را می‌توان در زیست‌شناسی و توسعه کهکشان‌ها نشان داد. ذهن و اندیشه نیز تابع رشد و تکامل خودجوش است. عقل، نظم خودجوش در حیات ذهن را باز می‌نماید

(مسعودی: ص ۱۵۴) (wright, 2000: 435). از نظر رایت، طی میلیاردها سال تاریخ طبیعی و هزاران سال تاریخ عمر انسان، همواره گرایشی فزاینده به سوی بازی‌های ناصفر میان جانداران وجود داشته است که به آن‌ها اجازه داده تا بازیکنان ناصفر بیشتری ادامه بقا دهند. (shermer, 2005: 2)

رایت نتیجه تناقض میان شر و خیر را در حیات آدمی سرانجام به نفع خیر می‌داند:

حیات بر روی زمین از آغاز ماشینی برای تولید معنا و سپس ژرفا بخشیدن به آن بود، ماشینی که امکان خیر را آفرید و آن را به تحقق رساند. و گرچه این ماشین در عین حال امکان شهر را نیز خلق کرد - و تا حدود زیادی هم آن را محقق ساخت - سرانجام اینک نشانه‌های افزونی نسبت خیر به شر را نمایان می‌سازد (shermer, 2005, 4).

از نظر رایت انسان‌ها هم مثل مورچه‌ها و خفاش‌ها، بازیگران ناصفر بسیار ماهری هستند. بازیگران ناصفر فداکارند. از این‌رو همکاری استراتژی با یکدیگر دارند. او حتی این همکاری استراتژی را برای خفاش‌های خون‌آشام مناسب می‌داند:

یک خفاش خون‌آشام هنگامی که از یک گشت شبانه در جست‌وجوی خون، دست خالی باز می‌گردد، ممکن است از یکی از دوستان نزدیکش مقداری خون بالا آورده شده هدیه بگیرد و هنگامی که در شب‌های آینده شرایط برعکس شود، لطف او را جبران خواهد کرد. هر دو خفاش در بلندمدت از این رابطه سود می‌برند. البته آنقدر باهوش نیستند که به این رابطه برنده-برنده پی ببرند. با وجود این، انتخاب طبیعی در برنامه‌ریزی خفاش‌ها برای اینکه طوری رفتار کنند که گویا از این چیزها خبر دارند، از همان منطق ناصفر پیروی می‌کند. آنچه به نفع خفاش است، به نفع انسان نیز است (شرمر، ۱۳۸۴: ۲۰).

رابرت رایت منطق ناصفر انسان‌ها را در حل مسائل تناقض نما از دیرباز تاکنون بر می‌شمارد. یعنی از دوران کهن سنگی تا دوران شبکه جهانی اینترنت، جامعه اطلاعاتی و نظارت:

از دوران کهن سنگی تا به امروز، گروه‌های انسانی از دسته‌های چندصد تایی به قبایل چند

به دیگران انتقال یافت. بنابراین دفاع از این عقیده که ما برای جامعه مدرن، به علت پیچیدگی شدید آن، باید عامدانه برنامه‌ریزی کنیم. در واقع دفاع از پارادوکسی است که از درک نادرست این وضعیت ناشی می‌شود. واقعیت، این است که ما نمی‌توانیم نظمی این چنین پیچیده را از طریق روشی که شامل هدایت اعضای جامعه باشد، حفظ کنیم. بلکه این کار تنها به صورت غیرمستقیم شدنی است. یعنی با بهبود و الزام به رعایت قواعدی که منجر به شکل‌گیری یک نظم خودجوش می‌شود (هایک، ۱۳۷۰: ۸-۸۷).

برای رفع رابطه متناقض "نظارت" و "اطلاعات" در نظر گرفتن نظم خودجوش آن دو که در ذات جامعه مدرن و الکترونیکی شده موجود است، کافی به نظر می‌رسد. اما آنچه که مهم است در چنین نظم خودجوشی همچون نظم خودجوش زبان، (البته بسیاری از افراد به دلیل محدودیت‌ها حتی از ادای گفتارهای معمولی و روزانه ناتوانند، اما برخی نیز چون ادیبان با استفاده از این محدودیت‌ها و حتی رعایت محدودیت‌های دیگر در زبان ادبی، سخنانی می‌گویند و آثاری می‌نویسند که قرن‌ها پس از آن‌ها نیز با ارزش و قابل بهره‌برداری توسط افراد بشر است) نه وجود محدودیت‌ها و نظم‌های خودجوش بلکه وجود قابلیت‌های انسانی برای بهره‌برداری از این محدودیت‌هاست که در جامعه نظارتی و جامعه اطلاعاتی گره‌گشاست.

نظریه ناصفر

برای یافتن پاسخ تحقیق می‌توان از نظریه "رابرت رایت"^{۲۷} محقق مدعو دانشگاه پنسیلوانیا، و نویسنده کتاب ناصفر: منطق سرنوشت انسان^{۲۸} و جانور اخلاقی: روان‌شناسی تکاملی و زندگی روزمره کمک گرفت که تلاش می‌کند تا با نظریه ناصفر به حل پارادوکس‌های موجود در علم بپردازد. از یک مثال عامه فهم استفاده می‌کند: در بازی‌های دو طرفه مثل تنیس، اختلاف پیروزی یک بازیکن برابر اختلاف شکست برای بازیکن دیگر است. برای مثال اگر من ۶ به ۲ ببرم، شما ۲ به ۶ می‌بازید. آن‌گاه اختلاف پیروزی من ۴+ و اختلاف شکست شما ۴- است که مجموع آن صفر خواهد شد.

در بازی‌های ناصفر هر دو بازیکن برنده هستند، همچنان که در یک مراوده اقتصادی من با خرید محصول شما برنده می‌شوم و شما با دریافت پول از من برنده هستید

هزار نفری و سپس به طوایف چند ده هزار نفری و ملت‌های چند میلیون نفری (و در یک مورد حتی یک میلیارد نفری/چین) تکامل یافته‌اند. این تنها از طریق تبادل‌های بده‌بستانی نمی‌تواند روی داده باشد. صفات بارز انسانی – زبان، ابزار، شکار، جمع‌آوری خوراک. کشاورزی، نوشتار، هنر، موسیقی و تمام چیزهای دیگر و از جمله و به ویژه شبکه جهانی اینترنت – نمی‌تواند محصول اعمال بازیکنان منزوی و بازی‌های بده‌بستان باشد. انسان ذاتاً جانوری ناصفر است (همان: ۲۰).

با این همه، بر منطق ناصفر رایت، اشکالاتی وارد دانسته‌اند. از جمله اینکه رایت جهان را چنان که هست توصیف می‌کند. اما کتاب او تجویزی است نه توصیفی. وی احساساتی گرم و پُر شور را بیان می‌کند، اما علم با واقعیت‌ها سر و کار دارد. رایت هیچ نمودار خطی از این روند به دست نمی‌دهد یا جدول جامعی از داده‌ها در اختیار ندارد که بتوان به کمک آن نرخ تغییر تبادلات صفر و ناصفر را با هم مقایسه کرد (همان: ۲۰).

بنابراین در بازی ناصفر حریم خصوصی و نظارت دولت، وقتی من به شما اطلاعاتی را می‌دهم، من دیگر صاحب آن نیستم و شما هم نیازی به نظارت بر آن ندارید. به نظر می‌رسد با از دست دادن این دوسرمایه هردو بازنده ایم. (اگر چه هر دو برنده شده‌ایم).

دیالکتیک

هرچند بیشتر نظریه پردازان، معتقدند دیالکتیک در مقام حرکت عینی و واقعی، راهی است که کلیت‌ها و تمامیت‌های انسانی و در درجه اول واقعیت اجتماعی در پیش گرفته تا با ساختن و ویران ساختن، راه را برای ستیزه با موانع درونی و بیرونی بگشاید. اما از نظر برخی مانند ژرژ گورویچ جامعه‌شناس و استاد دانشگاه سوربن فرانسه (۱۸۹۴-۱۹۶۵)، دیالکتیک یک روش است و به عنوان روش، قبل از هر چیز طریقه شناسایی کامل کلیت‌های اجتماعی، واقعی و تاریخی است. (گورویچ، ۱۳۵۱: ۲۹) همچنین باید دانست که: «دیالکتیک از سوئی جلوه و از سوی دیگر، جلوه‌گر سازنده چالش‌ها، تقابل‌ها، تعارض‌ها، مبارزات، امور متغایر و امور متناقض است.» (همان: ۲۸)

از آنجا که بیشتر مباحث دیالکتیک به دیالکتیک مارکسیستی منتهی می‌شود که بر اساس ماتریالیسم استوار است و آن را در برابر دیالکتیک هگلی قرار می‌دهند که متکی به ایده‌آلیسم است بهتر است تفاوت این دورا بر شماریم. «به عقیده هگل، فرآیند دیالکتیکی واقعیت، که ما آن را عینی می‌گوییم، فقط در سیر ایده‌ای که در جهان صورت خارجی یافته دیده می‌شود. به عقیده مارکس، برعکس؛ جهان مادی مستقل از هر روان و ذهن وجود دارد و در ماده به عنوان ماده است که جریان بر نهاد [تز] و برابر نهاد [آنتی تز] که منتهی به هم نهاد [سنتز] که منتهی به هم نهاد موقت می‌شود، ایجاد می‌گردد که خود نمودار مراحل تحول کیهانی است. دیالکتیک اندیشه فقط بازتابی از دیالکتیک اشیاء است.» (فولکیه، ۱۳۶۲: ۷۴)

مارکس در این باره می‌نویسد:

«روش دیالکتیکی فقط آنجا که اساس روش هگلی مطرح است فرق می‌کند و روش من مخالف مستقیم آن است. به عقیده هگل فرآیند اندیشه، که وی به نام «ایده» هم می‌خواند، فرآیندی است مستقل و آفریننده واقعیت، واقعیتی پدیده بیرونی آن است. از نظر من جهان «ایده» فقط جهان مادی است که به ذهن بشر منتقل و ترجمه شده است. [...] تحمیقی که دیالکتیک هگل به آن منتهی می‌شود، به هیچ رو مانع از آن نیست که بگوییم این فیلسوف نخستین کسی است که به شیوه‌ای کامل و آگاهانه صورت‌های حرکت عمومی اندیشه را مطرح کرده است. اما در فلسفه او معنی واژگونه است. اگر بخواهیم باید آن را از لفافه عرفانی و راز آمیزش جدا کنیم و هسته عقلی‌اش را مکشوف سازیم» (Marx, 1924) به نقل از (همان: ۷۵)

از نظر مارکس باید دستگاه فلسفی هگل را که روی سر قرارداد بر روی پا قرارداد و پاژگونی آن را بر طرف کرد. بدین قرار فرآیند دیالکتیکی ماهیتاً مشخصه ماده است و وی توان آن را در انعکسش در جهان مادی بازیافت و ماده هم از نظر مارکس «حرکت» است. حرکتی که از تز و آنتی تز حاصل می‌شود و سنتز را بوجود می‌آورد. فردریش انگلس یار و همفکر مارکس دیالکتیک را اینگونه تعریف می‌کند: «علم قوانین

شود. مانند مبارزه طبقه کارگر با سرمایه دار که باعث حکومت پرولتاریا [کارگران] می شود. و در حل مساله این تحقیق مبارزه میان «حریم خصوصی» و «نظارت الکترونی» که سنتز آن تولید اطلاعات در یک فضای تحت نظارت است.

همگرایی تناقض نمای نظارت الکترونی

از مقایسه دائمی آنچه که مدافعان و مخالفان نظارت دولت بر حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی می توان دریافت کرد، تعرض بین حقوق کاربران در برابر نظارت الکترونیکی و یا به بیان دیگر تعارض بین حفظ حریم خصوصی و تکنوکراسی است. این تعارض در صورت عدم همگرایی می تواند به نقض حقوق شهروندان در جامعه و عدم دخالت دولت برای احراز حق بزه دیده بیانجامد و از سوی دیگر دخالت و نظارت دولت ناقض حقوق کاربران است و آن ها نمی خواهند دولت و یا کس دیگری از داده های آن ها اطلاع داشته باشد و یا بر آن ها نظارت کند. این تعارض به حذف حکمرانی در جامعه می انجامد و هر کاربری خود به تنهایی می بایست حافظ حقوق خود در فضای غیر قابل کنترل، نظارت و سانسور باشد که صرف نظر از هزینه مالی و اداری سنگین آن، اصولاً توسط افراد به تنهایی قابل تأمین نیست. لذا افراد کار نظارت را به دولت می سپارند. هر سه نظریه مطرح در این تحقیق، نظم خودجوش فردریش هایک، «ناصرفر» رابرت رایت، و دیالکتیک کارل مارکس ضرورت چرخش همزمان داده ها و نظارت در فضای مجازی را تبیین می نمایند.

یافته ها و نتیجه گیری

در این تحقیق ملاحظه شد که درباره جامعه نظارتی چهار خط فکری در دوران مدرن وجود دارد: شامل ۱- ارتباط با دولت یا نظارت دولتی بر شهروندان (beniger, 1986)، ۲- نظریه نظارت بوروکراتیک دولت بر شهروندان، یا نظم بوروکراتیک ماکس وبر (رابینز، ۱۳۷۹: ۴۰۵) ۳- نظریه منطق فناورانه و نقش فناوری های جدید در نظارت بر جامعه (پستمن، ۱۳۷۳: ۱۸). و ۴- نظریه اقتصاد سیاسی که مبتنی بر سلطه صاحبان سرمایه بر کارگران و نظارت در محیط کارخانه و جامعه است. (شیلر، ۱۳۷۷) دو خط فکری هم به تبیین نظارت الکترونیکی در دوران پست مدرن می پردازند. نظریه گفتمان: قدرت و دانش میشل فوکو (Foucault, 1980) و نظریه وانمایی و حاد واقعیت،

عمومی حرکت، چه در جهان، چه در بیرون و چه در اندیشه آدمی.» (Engels, 1946: 44)

فولکیه به نقل از جزوه ای از ژوزف استالین رهبر پیشین حزب کمونیسم شوروی سابق که با عنوان «یادداشت ناشر» در سال ۱۹۳۷ میلادی منتشر شده است (استالین، ۱۹۴۷) پنج اصل دیالکتیک مارکسیستی را اینگونه برمی شمارد: ۱- وابستگی فعالی بین قسمت های گوناگون واقعیت وجود دارند می توان فردی را شناخت مگر آنکه او را در چهار راه اعمال همه بر او و واکنش هایش نسبت به محیط قرار داد. ۲- همه چیز در حال شدن است. همه چیز بی وقفه تغییر می یابد. توقف جهان ماده، زندگی و اندیشه مصادف است با مرگ و نیستی.

۳- حرکت و «شدن» ماده، آفریننده چیزهای تازه است. یک توده گندم، یک توده گندم نیست، دو دانه و سه دانه گندم هم به همچنین. اما با تغییر کمی به کیفی مشتی گندم کشت شده به توده ای حقیقی از گندم تبدیل می شود. یا مثال جوشیدن آب و تغییر آن به بخار.

۴- مهمترین اصل دیالکتیک که اشیاء و پدیده های طبیعت متضمن تضاد داخلی اند. لنین تئورسین مارکسیسم در شوروی سابق می گوید: دیالکتیک به معنی اخص کلمه، بررسی تضادها در ماهیت داخلی اشیاء است. به زبان ساده تر چیزها ضد خود را در خود دارند و مبارزه این اضداد است که موجب حرکت می شود. مانند مبارزه طبقه کارگر با سرمایه دار که باعث حکومت پرولتاریا [کارگران] می شود.

۵- حقیقت تغییر ناپذیر و قطعی وجود ندارد. زیرا تضاد در اشیاء و درانیشه و بی ثباتی ناشی از آن، حقیقت را موقتی کرده است. ذهن از طریق نفی و اثبات عمل می کند اما هم نهاد [سنتز] آن ها هم موقتی است. زیرا این خود، اثباتی است که نفی ای را برمی انگیزد. بنابراین نظریه های علمی و فلسفی دوران موقتی دارند و هیچ اندیشه ای در تبیین جهان دائمی نخواهد بود. البته بعدها انگلس اعتراف کرد که حقایق قطعی و وجدید ناپذیر هم در جهان وجود دارند. (فولکیه صص ۷۵-۸۴)

برای حل مساله تضاد میان حریم و نظارت می توان دقیقاً از این اصل دیالکتیک مارکس استفاده کرد که می گوید: دیالکتیک به معنی اخص کلمه، بررسی تضادها در ماهیت داخلی اشیاء است. به زبان ساده تر چیزها ضد خود را در خود دارند و مبارزه این اضداد است که موجب حرکت می

می توانند قرارگیرند و باهم یک کارکرد اجرایی به نمایش بگذارند، حریم خصوصی و آزادی فردی با کنترل اجتماعی و نظارت اجتماعی ممکن است در تعارض باشند اما اگر این دو را نه به صورت اجزاء منفرد بلکه در یک مجموعه ببینیم می توانند حرکتی دیالکتیکی را در درون جامعه سبب شوند بدون نظارت دولت، هرکسی می تواند در شبکه های اجتماعی و در فضای مجازی بدون ارائه هویت، حریم خصوصی افراد را تهدید کند. پس جامعه به دولت این اختیار را می دهد تا به عنوان نماینده ملت بر این فضا نظارت کند و حارس و نگهبان داده های شهروندان و حریم اطلاعاتی آن ها باشد. چون با افزایش حجم داده ها، امکان نظارت بیشتری از سوی افرادی غیر از دولت ها بر آن ها فراهم می شود یعنی اطلاعات [تز] در برابر نقض حریم خصوصی [آنتی تز] ضرورت حفظ اطلاعات [سنتر] را ایجاد می کند. بر این اساس در یک فضای دیالکتیک نظارت به معنی محو حریم خصوصی نیست و این دو می توانند باهم در همان وضعیت متضاد، تجمع شوند.

ژان بودریار (بودریار، ۱۴۰۰) از این میان محقق بر فن سالاری (تکنوکراسی) دولت ها و نظارت آن ها بر شهروندان از چند بعد گوناگون پرداخته شد تا تناقض نمای نظارت دولت و آزادی شهروندان، تبیین شود.

نظارت الکترونیکی دولت بر اطلاعات افراد، در نگاه اول به عنوان دسترسی به حریم خصوصی، ناقض حقوق کاربران است. اما وقتی پای حفظ حریم خصوصی از جانب دولت ها مطرح می شود، امری لازم و ضروری است. در نظم خودجوش فردریش هایک نظارت و حریم افراد نظمی اتوماتیک بوجود می آورند و نه بی نظمی و تضییع حقوق کاربران؛ زیرا بدون امنیت زیست در هر محیطی برای افراد چالش برانگیز است و تنها در سایه امنیت اجتماعی در فضای مجازی است که افراد می توانند بر اساس نظریه «نا صفر» رابرت رایت، هم اطلاعات را برای یکدیگر ارسال کنند و هم برای حفظ این اطلاعات به نظارت دولت پایبند باشند. نظریه دیالکتیک مارکس هم می تواند پاسخی به پرسش این تحقیق باشد: در دستگاه دیالکتیک عناصر معارض در یک مجموعه

پی نوشت ها

- | | | |
|------------------------------------|------------------------|---|
| 1. Big Data | 12. Paradox | 23. Paradoxical |
| 2. Hackers | 13. The Global Paradox | 24. Friedrich A. Von Hayek |
| 3. David Riesman | 14. James R. Beniger | 25. Spontaneous Order |
| 4. Daniel Bell | 15. Suvelliance | 26. Bernard Mandeville |
| 5. Raymond Aron | 16. censorship | 27. Robert Wright |
| 6. Marshall Mc Luhan | 17. control | 28. Non Zero : The Logic of Human Desting |
| 7. Herbert Marcuse | 18. Technology | |
| 8. David Harvey | 19. Technology | |
| 9. Alain Touraine | 20. Leigh Keeble | |
| 10. Alvin Toffler | 21. Brian D. Loader | |
| 11. Constant Comparative Technique | 22. Teesside | |

منابع

- استراوس، اسلم و جولیت کرین (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای، مترجم ابراهیم افشار تهران: نشرنی
- انصاری، باقر (۱۳۹۸). حقوق حریم خصوصی، چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۹) دانشنامه سیاسی، چاپ سی ام، تهران: مروارید.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، جلد دوم، لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی.
- تابناک (۱۳۹۰)، وضعیت فیلترینگ در کشورهای مختلف، در: tabnak.ir/000vmn
- بودریار، ژان (۱۴۰۰) وانموده ها و وانمود، مترجم پیروز ایزدی تهران: نشر ثالث
- پستمن، نیل (۱۳۷۳)، زندگی در عیش مردن در خوشی، ترجمه دکتر صادق طباطبایی، تهران، سروش
- تجارت نیوز (۱۴۰۰) موج اعتراضات به محدود کردن اینترنت / فیلترینگ چه بر سر مردم می آورد؟ ۲ مرداد: <https://tejaratnews.com/startup/>-به-فیلترینگ-فضای-مجازی

- صفحه - از ۳۹ تا ۷۰
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۹۱)، «رسانه‌های جدید، نظارت الکترونیکی و جوانان»، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان « پاییز و زمستان، شماره ۱۷ و ۱۸، صفحه - از ۵۳ تا ۷۰.
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۹۹a)، «حق کاربران بر نظارت الکترونی و حفظ حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، پاییز - شماره ۳، صفحه - از ۷ تا ۱۹.
- مسعودی، امید علی (۱۳۹۹b)، رسانه‌های جدید و آینده نگری نظارت الکترونی در ایران، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی
- وبستر، فرانک (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، انتشارات قصیده سرا.
- هایک، فریدریش فون (۱۳۸۰)، قانون، قانون‌گذاری و آزادی گزارش جدیدی از اصول آزادی خواهانه عدالت و اقتصاد سیاسی قواعد و نظم، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران، طرح نو.
- ویمر، راجر و دومینیک، جوزف. (۱۹۸۳). تحقیق در رسانه‌های جمعی. ترجمه: کاووس سید امامی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات سروش
- رایبیز استیفن (۱۳۷۹)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- شرمز، مایکل (شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۸۴)، «نگاهی شک‌آور به کتاب ناصر: خیاط در کوزه»، ترجمه کاوه فیض‌اللهی، روزنامه شرق، شماره ۴۵۱.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۷)، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری امریکا، مترجم احمد میرعابدینی تهران: سروش.
- فتحی، یونس و خیراله شاهرادی (۱۳۹۶)، «گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی» فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۹۹، پانیز، صص ۲۲۹-۲۵۲
- فولکیه، پل (۱۳۶۲)، دیالکتیک، مترجم مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
- گروویچ، ژرژ (۱۳۵۱)، دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه شناسی، مترجم حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۸۲)، «جامعه نظارتی ره‌آورد عصر ارتباطات»، فصلنامه رسانه، شماره ۵۳.
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۸۴)، «آینده نگری چالش‌های نظارت الکترونی در جامعه اطلاعاتی ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، پاییز، شماره ۳۱،
- Westin, Alan F (1968). Privacy And Freedom, 25 Wash. & Lee L. Rev. 166 <https://scholarlycommons.law.wlu.edu/wlulr/vol25/iss1/20>
- Beniger, James R. (1986), *The control Revolution: Technological and Economic Origins of the Information Society*, Cambridge: Harvard University press
- F . Engels, Ludwig Feuerbach, 1V .Editions sociales, 1946. P.44
- <https://michaelshermer.com/articles/chicken-soup-for-the-evolutions-soul/#more-11>
- Foucault, M., (1980b). "Truth and Power", in C. Gordon (ed.), *Power / Knowledge Selected Interviews and Other Writings, 1972-1977*. Harvester: Brighton. h
- K . Marx, *le Capital* .Preface de la seconde edition (1829) Tard. Brack. T.1. P Xcv. Costes, 1924.
- keeble, Leigh, and Brian D. LoAder (2001), *Community Informatics Shaping computer-Mediated Social Relations*, London and New York: Routledge.
- Lyon, David (1994), *The Electronic Eye The Rise of Surveillance Society*, Minneapolis: Polity Press 0
- shermer, Michael (2005), " Review of Robert wright's NONZERO ", In:
- <https://michaelshermer.com/articles/chicken-soup-for-the-evolutions-soul/#more-11>
- wright, Robert, (2005), *Non Zero: The Logic of Human Desting*, pantheon, 2000.
- Tesch, R (1990), *Qualitative research: Analysis types and tools*, (M, Janowiz., Ed.). Chicago: University of Chicago Press 0